

# قویوز نوازان دلسوخته آذربایجان

(۱۰۲)

«قویوز» همان است که امروزه به آن «ساز» می‌گویند و عاشیقهای آذربایجان، این خنیاگران دلسوخته روشنایی، آن را ایستاده بر سینه می‌فشازند و به ترنم نغمه‌های غنایی و سرودهای حماسی می‌پردازند.

عاشیق‌ها را در طول تاریخ، ماجرا بر سر گذشته است، اسیر دلدادگیها و گرفتار مبارزات و کشمکشهای سیاسی شده‌اند و در نهضتها و خیزابهای اجتماعی و انقلابها و قیامهای مردمی نقش عظیمی ایفا کرده‌اند.

از عاشیقها سرگذشت نامه‌های مکتوب بر جای نمانده است. تذکره‌های عاشیقی مدون هم وجود ندارد و کمتر سروده‌هایشان بر «بیاض»ها و «سفینه»ها وارد شده است. آگاهیهای ما درباره آنان نقل شفاهی خود عاشیقها و اطلاعات سینه به سینه و «استادنامه»ها و «منظومه»های منسوب به آنان است که می‌توانیم از این طریق زندگینامه و آثار منظوم این حماسه‌پردازان پرشور و حال را تدوین سازیم. در این گفتارها خواهیم کوشید این قویوزنوازان دلسوخته را انشاءالله خداوند یاری کند در هر شماره معرفی کنیم.



۱۳۹۵



## عاشیق قوربانی

عاشیق قوربانی، از عاشیقهای متعدد دربار شاه اسماعیل صفوی بود که در زمان حیات خود، شهرت قبول و آوازه یافت. و قویوز بر دست، مبلغ آرمانه‌های رستاخیز فرهنگی شاه اسماعیل شد که خود وی نیز قویوز می‌نواخت و «ختائی» تخلص می‌کرد.

عاشیق قوربانی در روستای «دیری» نزدیک تبریز به دنیا آمده، در تبریز نشو و نما کرده و در همان شهر به نهضت قزلباشیه پیوسته است و هنر نوازندگی و خوانندگی خود را وقف نشر معارف قزلباشیه و حروفیه کرده است.

روشن است که در آن عهد، عاشیقها از احترامی تقدس‌آمیز برخوردار بودند و قویوز، مانند طبیب، در خانقاهها و جمخانه‌ها نواخته می‌شد و عاشیقها برای بیان سخنان حکمت‌آمیز آئینی، آهنگهای سنگینی بر روی قویوز ابداع می‌کردند.

عاشیقهای روزگاران بازسین در آذربایجان، به یاد وی منظومه بلندی زیر نام «دیریلی قوربانی» ساخته‌اند که در آن از هنر والای عاشیقی وی، آهنگهای جدیدی که برای نواختن بر روی قویوز ابداع کرده و نیز از مبارزات حق طلبانه و دلدادگیهای او سخن به میان آمده است.

گویند که آهنگ «شاه ختائی» را - که در موسیقی عاشیقی، آهنگی بسیار معروف است - او ساخته است و شعر زیر را هم خطاب به شاه اسماعیل بر آن آهنگ خوانده است:

من حق عاشیق‌ام، حق یولا مایل،  
کتابیم قرآن دیر. اولموشام قایل.  
مرادیم، مرشدیم، ای شاه اسماعیل،  
دردیمین الیندن فریدا گل‌دیم.

بسیاری از اشعار عاشیق قوربانی را که خود وی برای اجرا در آهنگهای بدیع قویوز سروده است، اغلب مردم آذربایجان از بردارند.

از جمله شعری که به آهنگی سوزناک ترنم می‌شود و باز خطاب به شاه اسماعیل ختائی (شیخ اوغلو) است و در آن از ظلم و ستمی که «قارا وزیر» بر او روا داشته، فریاد برمی‌دارد و سخن از درد و مصائب و محن مردمی دارد که در زیر تضییقات و ظلم و ستم فئودالی زیست می‌کردند. هم از این جهت است که این سروده‌ها، صدها سال است در حافظه مردم برجاست و سینه به سینه و نسل به نسل به ما منتقل شده است:

دیری داغلاریندان، اوزاق یوللاردان  
البته که بیر مرادا گل‌میشم.  
دوورون سیتمیندن، چرخین الیندن

بیر شاهیم وار، اونا دادا گل‌میشم.<sup>۲</sup>

□ □ □

بولبول ایدیم، آیری دوشدوم گولومدن  
فلک ووردو، جیدا سالدی الیمدن.  
«قوربانی» بيم، قارا وزیر الیندن  
«شیخ اوغلو» نا شکایتنه گل‌میشم<sup>۳</sup>

عاشیق قوربانی آهنگی نیز با نام «مرشد کامل» ساخته است و «دیوانی»های خود را در آن اجرا کرده است. آنچه از روایت‌های سنتی عاشیقها برمی‌آید، این است که عاشیق قوربانی می‌توانسته است ظریف‌ترین و طبیعی‌ترین احساسهای انسانی را بامهارتی استادانه به ساز و سخن وصف کند. شعر مشهورش که ردیف «بنفشه» دارد، از این نظر حائز اهمیت است. این شعر فزون از اندازه روان، سلیس و سیال، واژه‌ها و ترکیب آنها گوشنواز است. غم و حسرتی جانگداز نیز بر این شعر سایه انداخته است و در آهنگ حزن‌انگیزی اجرا می‌شود:

تازی سنی خوش جمالا ییتیرمیش  
سنی گورهن عاشیق، عاغلین ایتیرمیش.  
ملک لرمی درمیش، گویدن گتیرمیش  
حاییف که در بیلر آز بنفشه‌نی.<sup>۴</sup>

□ □ □

قوربانی دثر: «کؤنلوم بوندان ساییری دیر.  
نه ائتمیشم، یاریم مندن آیریدی؟  
آیریلیغمی چکیم بوینو اگریدی،  
هئچ یئرده گورمه‌دیم دوز بنفشه‌نی.»<sup>۵</sup>

اهمیت خلاقیت عاشیق قوربانی در تاریخ موسیقی قویوزنوازی آذربایجان در آن است که سنت آهنگسازی و نوازندگی آئینی و مذهبی را هم قوام بخشید و در تجلیل و تسجیل آن کوشید. در این میان، به آهنگهای تند سنگینی که مناقب و مدایح اهل بیت علیهم‌السلام بویژه مولی‌الموحدین حضرت علی بن ابیطالب (ع) در آنها اجرا می‌شد، می‌توان اشاره کرد. مثلا منقبت زیر و آهنگ سنگین آن را در نظر آوریم:

دامنده قالمیشام، یئتیش دادیما  
نوزونو خبیره یئتیرن، علی (ع)  
او دم ذوالفقاری چکن زبانه،  
دین سیزلری دینه گتیرن علی (ع)<sup>۶</sup>

□ □ □

منیم پیریم کوثر اوسته ساغ ایدی،  
مؤمنلرین یئری جنت باغیدی.  
«قوربانی» نین بوگون مشکل چاغیدی،  
جمیع مشکل لری بیتیرن، علی (ع)<sup>۷</sup>  
آهنگهای متعددی، اکنون از سوی عاشیقهای آذربایجان،

# قوربانی

( عاشیق قوربانی هیاتینا بیر بافیش )



پروفیسور ع . کاظم اوف

کؤپورن ناصر امدی

و گنجینه فولکلور آذربایجان درآمده است. عاشیق قوربانی تجنیسها و گرایلیهای معروفی نیز دارد. وی صنایع لفظی و بسیاری از آرایه‌های ادبی را با آفرینش بدیع خود، در شعر خویش به کار برده است. گرایلیهای او از تغزلی جاندار، طبیعی و سلاست خاص برخوردار است:

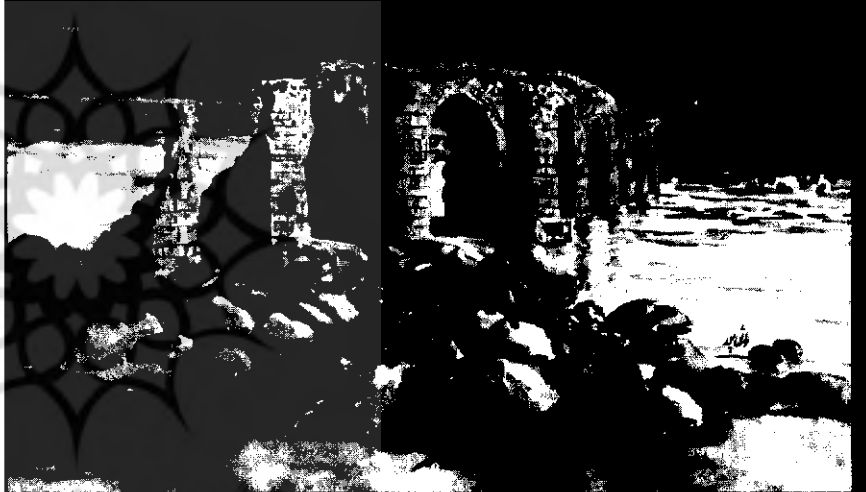
آی آقار، آی قاضیلار،  
یار یامان آلتدی منی.  
ال آتدیم یارین الینه  
یار کنارا آتدی منی.<sup>۸</sup>

تور قوردوم چشمیم گؤلونه،  
ایلیشدی سونان تفلینه.  
دوشدوم دیل بیلمز الینه  
آلدی ، اوجوز ساتدی منی.<sup>۹</sup>

قوربانی دیر منیم آدیم،  
آدم آتادی بنیادیم.  
شش آتدیم، چهار اوینادیم  
آخر فلک اوتدو منی.<sup>۱۰</sup>

در تاریخ شعر و موسیقی عاشیقی آذربایجان، عاشیق قوربانی، نامی بسیار والا جای و بلندمرتبه است. او را می‌توان یکی از بنیانگذاران هنر عاشیقی رستاخیز فرهنگی عصر شاه اسماعیل ختانی به حساب آورد و یکی از نامهای بلندآوازه دوره دوم شعر و موسیقی عاشیقهای آذربایجان که «دوره تشیع» نام دارد برشمرد.

در بیرون از مرزهای ایران، پیرامون زندگی و آفرینش بدیع وی چندین تحقیق دانشگاهی صورت گرفته و متون انتقادی آثارش چاپ شده است. اغلب آهنگهای ابداعی او بر قوپوز نیز بازنشاسی و تدوین شده است. متأسفانه در ایران، بلحاظ بی‌اعتناتی به متون ادبی و هنری «غیرفارسی»، بحث پیرامون زندگی و آثار او تاکنون راه به دانشگاهها نیافته است. اما در سالهای اخیر شاهد چاپ آثار وی در تهران، تبریز و اردبیل از سوی علاقه‌مندان و ترکی‌پژوهان بوده ایم. گذشته از آن اکثر قریب به اتفاق عاشیقهای معاصر اشعار و آهنگهایی از او به یاد دارند که می‌تواند بنوازند و اجرا کنند. امید آن که روزی شاهد تدریس آثار عاشیق قوربانی در دانشکده‌های ادبیات و دانشگاههای هنر باشیم.



با یاد و نام عاشیق قوربانی نواخته می‌شود. کهن‌ترین نسخ خطی اشعارش نیز مربوط به اواخر صفویه است و در آنها برخی اشعار فارسی هم به او نسبت داده شده است. از جمله غزلی با ردیف «ماست»:

جگ با خود، صلح با دشمن طریق دین ماست،  
کافرو مؤمن، همه یکرنگ در آئین ماست.  
از دم سرد سبک‌مغازان ز جا، کی می‌روم؟  
توده غیرا غبار دامن تمکین ماست.  
بحث هفتاد و دو ملت حق بود در کیش عشق،  
هر که این فرمود، نور دیده حق بین ماست...

عاشیق قوربانی، علاوه بر منظومه‌های غنائی و اشعار آئینی و مذهبی و سروده‌های پندآموز و اخلاقی خود که اغلب در آنها از زمانه شکوه می‌کند و غمها و محنتهای مردمی را که در اثر مظالم ستمگران روزگار به حیات مشقت‌بار خود ادامه می‌دادند، بیان می‌کند، شعرهای تند سیاسی نیز دارد که بسیاری از جملات آنها جزو ضرب‌المثلها

۲

ساری عاشیق،

قوپوز نواز غربت

«ساری عاشیق» در تاریخ شعر و موسیقی عاشیقی آذربایجان، با «بایاتی»ها و آهنگهای سوزناک و حزن‌انگیز

خود معروف شده است.

نام اصلی او را کسی تاکنون نیافته است. این قدر هست که در اواخر دوره صفویه زندگی می‌کرد و به «غریب عاشیق»، «ساری عاشیق» و «حق عاشیقی» معروف بود. پژوهشها روشن کرده است که وی در اواخر سده دوازدهم در یکی از دهات شهرستان «هر» به دنیا آمده، دوران جوانی و باروری خود را در «قاراداغ» به سر آورده و سپس به ایالت «زنگه زور» شمال کوچ کرده و در دهی به نام «قاراداغلی» ساکن شده است. اکنون مزارش نیز در آنجاست و گنبدی به سبک معماری اواخر دوران صفوی دارد.

عاشیقهای بازپسین آذربایجان درباره زندگی او منظومه‌ای با نام «یاخشی و ساری» آفریده‌اند که امروزه اغلب عاشیقها می‌توانند این منظومه را در ساز اجرا کنند و آن را از حفظ دارند.

این منظومه، ظاهراً بر اساس ماجرای دلدادگیهای او ساخته شده است که دل در گرو عشق یک دختر روستائی به نام «یاخشی» می‌بندد. به نظر می‌رسد که وی بایاتیهای زیر را خطاب به او سروده است که امروزه اغلب عاشیقها آنها را در ساز اجرا می‌کنند:

من عاشیق ترسینه قوی،  
ترتنی تر سینه قوی!  
یاخشی نین قبيله سینه،  
عاشیقی ترسینه قوی.<sup>۱۱</sup>

عاشیق یامانا گله،  
دردین یامانا گله.  
یاخشی یاخشیا گنده،  
یامان یامان گله!<sup>۱۲</sup>

من عاشیق بو داغ ایلن  
گول سینمیش بوداق ایلن  
سنه یاخشی دئمزلر،  
من ئولسم بوداغ ایلن!<sup>۱۳</sup>

عاشیقهای بعدی، در منظومه‌ای که در این باب سینه به سینه روایت کرده‌اند، گفته‌اند که گویا یاخشی برادری به اسم «یامان» داشته است که سد راه این دو دلداده بود. طبق این روایت، یاخشی، زود مرده است و مرگ او تأثیر عمیقی بر دل عاشیق گذاشته است.

بایاتیهای ساری عاشق ماهیت اخلاقی دارد و اغلب پندآموز است و در سرودن آنها استفاده زیادی از ضرب‌المثلها و تعابیر مردمی می‌کند:  
عاشیقم باغدا دارا،  
زولفونو باغدا دارا.  
وفالی بیر دوست ایچون،  
رومو گز، بغداد آرا.

□

ساری عاشیق در یک بایاتی، خود را با «سیدعمادالدین نسیمی» شاعر عارف قرن نهم مقایسه می‌کند. وی شیوه‌های منصور حلاج را پیشه داشت و به سرنوشت او بمرسد:

گوزه‌لیک سوی ایلن دیر،  
شاهمار دا سوی ایلان دیر  
نسیمی تک بو عاشیق،  
بولوندا سویولاندیر.<sup>۱۴</sup>

بایاتیهای ساری عاشیق اغلب با آهنگهای سوزناک ترنم می‌شوند.

بایاتیهای او را از نظر موضوع می‌توان دو دسته کرد: دسته نخست شامل مضامین مذهبی، سیاسی و اجتماعی و دسته دوم حاوی ترنم احساسهای پاک و بی‌آلایش انسانی است و مضامین عاشقانه و غنائی را دربردارد.

ساری عاشیق، دین‌مدار و خدامحور است و اندیشه‌های والای روشنی دارد که با مهارتی خاص آنها را بیان می‌کند و علی‌رغم حجم اندک بایاتی، توانسته است در چهار مصراع جهانی معنی بگنجاند: در این اشعار موسیقائی، زیبایی هنری والائی خفته است:

من عاشیقم قانلی گول  
قانلی دانیش، قانلی گول  
یشمیش بولبول باغرینی  
اوندان آچمیش قانلی گول!<sup>۱۴</sup>

□

بو عاشیق اودا یاندی  
اود توتدو، اودا یاندی.  
یار چکدی، من یثردیم،  
من چکدیم، اودا یاندی.<sup>۱۵</sup>

ساری عاشیق گذشته از آهنگهای سوزناکی که بر بایاتیها ساخته است، در ریتمها و آهنگهای سنگین «دیوانی» نیز، اجراهایی ابداع کرده و بر آنها خود شعر نیز ساخته است. از جمله شعر زیر که مشحون از آرایه‌های ادبی و تجنیسهای زیبایی است.

گوزوم گوزجک سنی ایستر کام آلا،  
برقی اوزوندن داغیدیر یاخشی.  
فلک قویماز کیمسه یتیتسین کمالا،  
باخما بو کج روین داغیدیر یاخشی  
عرض حالیم سنه عیاندی، غرض!<sup>۱۶</sup>

ساری عاشیق از کوچهای بی‌امان و اجباری حرف زده و در موضوع «غربت» نیز شعر سروده و از مصائب و بلاهای غربت سخن به میان آورده است:

عاشیق یوز خسته لیگه،  
لقمان یوز خسته لیگه.  
غریته دوشن جانیم،  
دوشدو یوز خسته لیگه!

□





در اواخر دوران صفویه نوع  
بایاتی حسرت‌بار و غمگین در شعر  
و ادب آذری انتشار و گسترش یافته  
بود و عاشیقها و قوبوزنوزان آذربایجان در این رشته  
طبع آزمائی می‌کردند. بایاتیهای ساری عاشیق نشانگر آن  
است که او از این بوتۀ آزمایش با سرافرازی بیرون آمده  
است و نامش در صفحات تاریخ ادبیات عاشیقی آذربایجان  
می‌درخشد.

بر روی آثار ساری عاشیق کارهای علمی و دانشگاهی  
متعددی، بیرون از ایران انجام پذیرفته است. مرحوم سلمان  
ممتاز و مرحوم پرفسور محمدحسن تهماسب در این باب  
بیش از همه کوشش به خرج داده‌اند. بعد از انقلاب نیز در  
ایران اشعار و آهنگهای او در برخی از مجموعه‌های شعر  
عاشیقی و کتابهای موسیقی آذربایجان چاپ شد. اما باید  
گفت که امروزه نسل جوان منتظر حرکت فرهنگی و هنری  
چشمگیری در ایران برای پژوهش در آفرینش هنری این  
عاشیق والایمان است.

پاورقیها:

- ۱- من عاشق حقم، مایل به راه حق / قائل به کتاب قرآن / ای مرشد  
شاه اسماعیل / از درد و آه به فریاد آدمم
- ۲- این همه راه در نوردیدم از کوهستانهای دیری گذشتم / مرادی  
دارم / که آدمم / از ستم دوران و از دست گردون به تو پناه آوردم.
- ۳- بلیلی بودم به هجران افتاده، قربانی از دست وزیر / اینک به فرزند  
شیخ شکایت می‌برد.
- ۴- خداوند ترا زیبا آفرید / دلباختگان خرد از دست فروهشتند /  
فرشتگان تو گفתי از آسمان آمدند همچون بنفشه.
- ۵- قربانی گوید دل بیمار دارم / دلدارم از من جداست / هجران دیده  
و گردن خمیده / بنفشه را راست قامت ندیدم.
- ۶- به فریادم برس یا علی (ع) که به خیر رسیدی، ذوالفقار برکش  
و منکران را به بیاد
- ۷- پیر من بر سر کوثر ایستاده است و بهشت جایگاه حق باوران کرده  
قربانی گوید که مشکها را علی می‌گشاید.
- ۸- ای سروران دلدار فریبم داد، دست به دست یار نهادم مرا به  
کناری زد.
- ۹- بر چشمه دید گانم دام بر نهادم و گرفتار زلف وی شدم، مرا چه  
ارزان فروخت!
- ۱۰- قربانی گوید که مرا نام از حضرت آدم مانده است و در شب در  
فلک گرفتار ساخته است.
- ۱۱- من عاشقم، مرا به قیله معشوق دفن کنید / عاشق کار نیک  
انجام می‌دهد / اگر من بیمر تو بهره‌ای نمی‌بری (ترجمه مفهومی)
- ۱۲- برای دوست باوفا تا روم و بغداد هم باید رفت (ترجمه  
مفهومی)
- ۱۳- این عاشق نیز همانند نسیمی در راه تو پوست از تن جدا  
می‌کند. (ترجمه مفهومی)
- ۱۴- من عاشقم و این گل ناز سینه هفتاد بلبل شکافته است! (ترجمه  
مفهومی)
- ۱۵- این عاشق بر آتش سوخت یار هر جا کشید آدمدم و او خود  
را نیز سوخت.
- ۱۶- چون دیده بر تو آشنا ساختم کامیابی خواستم / «باخشی»  
روبند از رخسار گشود / فلک جلوگیر کامیابی است / منگر که باخشی این  
روبگردانی را بر نمی‌تابد / عرض حالم بر تو عیان است.
- ۱۷- عاشق صد بیماری دارد و این جان غریب‌ناک من گرفتار درد و  
غم شد / در غربت جان سیردم و جسمم فرو ماند.

من عاشیق قالا  
قالدی  
بُرج قالدی قالا  
قالدی  
عُربته دوشدوم  
تولدوم،  
جنازهم قالا قالدی. ۱۷

□

ساری عاشیق، عاشیقی تغزلی است  
و در موضوع عشق داد سخن داده است. بسیاری از بایاتیهای  
عاشقانه که ورد زبان مردم آذربایجان است، منسوب به  
اوست.

تو گفתי بنیانگذار بایاتی تغزلی هم ساری عاشیق بوده  
است. در جنگها و سفینه‌های عاشیقی، بایاتیهای عاشقانه  
فراوانی به نام او ضبط شده است.

وی، هنرمندی دانشور است در بایاتیهایش ویژگیهای  
ادبی و بدیعی، فراوان است. زبانش روشن و سلیس است.  
تابلوئی را که می‌خواهد با کلام و نت موسیقی تصویر کند،  
به راحتی به خواننده منتقل می‌کند. او، استاد مبالغه و  
تجنیسه‌های بی‌مثل و نظیر است. از ویژگیهای شعر تجنیس  
او آن است که فرم و مضمون همیشه وحدت تشکیل  
می‌دهد و با مضمونی عمیق و موسیقی سرشاری همراه  
است. عاشیقهای بازپسین بارها برای تجنیسه‌های او نظیره  
سروده‌اند.